

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

طرح‌های جدید و اشنگتن بمنظور فروپاشی افغانستان چه سرنوشتی برای دورنمای کشور ما ترسیم نموده اند؟ پیشداوری‌هایی در مورد شکل‌گیری دولت فراگیر

موضعگیری‌های عاطفی و واقعیت‌های موجود
چگونگی تعامل با معادلات اجتماعی - سیاسی
شکست اطلاعاتی یا شکست سیاست خارجی؟
سرافکندگی امریکا و ناتو

فروپاشی حکومت، فروپاشی دولت، اضمحلال یا سقوط اصطلاحاتی هستند که بمنظور اشاره به شکست کامل نوعی از حکومت یک کشور مستقل بکار می‌رود. گاهی اوقات فروپاشی بیک دولت در مانده آنچه در سوماتی و دهه آخر حکومت یوگوسلاویا پیش آمد، منتهی می‌گردد. غالبین به محض فروپاشی، فرآیند انتقال به دولت یا حکومت جدید بسرعت شکل می‌گیرد و خدمات اولیه نظیر جمع‌آوری مالیات، امور دفاعی، پولیس، خدمات مدنی و عدالت همچنان بکار خویش ادامه خواهند داد مانند آنچه پس از شکست اپارتاید در آفریقای جنوبی رخ داد. ممکن است فروپاشی دولت منجر به فروپاشی اقتصادی نیز گردد. فروپاشی حکومت الزاماً همراه با یا هم‌معنای فروپاشی اجتماعی نیست. چون غالبین فروپاشی اجتماعی مانند آنچه در هنگام سقوط امپراطوری روم غربی پیش آمد، فرآیند طولانی‌تری دارد. همه تلاش‌ها بمنظور تغییر رژیم، سبب فروپاشی دولت نمی‌گردد. اعضای جامعه جهانی در مجموع نامیرا هستند. گهگاهی حکومتها می‌میرند و یا ناپدید می‌شوند، اما بیشتر آنها بیش از عمر انسان می‌زیند. حکومتها نتیجه مشارکت زندگان و آیندگان میباشد. متهم کردن تمامی اعضای یک ملت اشکال اخلاقی دارد. چون اینکار باعث میشود اکثریت منفعلاً بخاطر جنایتهای اقلیت مجرم دچار درد ورنج شوند و نسلهای آینده بخاطر جرم پدران شان عذاب بکشند.

در شرایط و وضعیت حاضر، پرسشی مطرح می‌گردد که چرا ایالات متحده و ناتو از ویرانی بیشتر و گسترش هرج و مرج در کشور ما جلوگیری بعمل نمی‌آورند؟ درگیری‌های مسلحانه در اراضی کشور ما بگونه قطع از کنترل خارج شده و به نقطه بحرانی رسیده است. بسیاری از باین باورند که تشدید وضعیت کنونی کشور، بگونه مستقیم نتیجه آزمایش‌های ایالات متحده محسوب می‌گردد. در وضعیت کنونی در کشور ما، رویارویی میان نیروهای جریان دارد که هر دو از آنها نتیجه فرآیند تفکر ایالات متحده می‌باشند. وضعیت و چگونگی اوضاع در کشور ما بیش از هر زمان دیگر وارد مراحل حساسی گردیده است. جهان و جهانیان با وحشت زاید الوصفی منتظر نتایج آزمایش تاریخی دیگر ایالات متحده می‌باشند. در اولین ساعات روز یکشنبه ۲۴ ماه اسد سال روان، وسایل اطلاعات جمعی از وارد شدن "طالب"ها به شهر کابل خبر دادند. "طالب"ها در نخستین اقدام شان، پس از حمله بکابل، پوهنتون کابل را تحت محاصره قرار دادند. در چنین وضعیتی، اعلام گردید که شهر کابل مورد تهاجم جنگجویان "طالب" قرار گرفت. قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که وضعیت در کشور عزیز ما بویژه پس از فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی افغانستان، بیش از پیش وخیم گردیده است.

ایالات متحده با سازوبرگ مسلحانه از یکجانب و نظامیان تا دندان مسلح ناتواز جانب دیگر، با انجام "مبارزه علیه تروریسم" در امتداد دوده که زمان اندکی پنداشته نمی شود، قادر بایجاد ثبات سیاسی پایدار در کشور ما نگردیدند.

بروز یکشنبه هفته پسین، "طالب"ها از نظارت کامل شان بر بیشترین بخش های کشور خبر دادند. آنها در مدت زمان یکروز، مقام های رسمی را وادار نمودند تا کشور را ترک نمایند. آنها همچنان اعلام نمودند که قصد ندارند تا قصر ریاست جمهوری را با دیگران تقسیم نمایند. جنگجویان یادشده در عرض چند هفته، بمعنی واقعی کلمه، پایبای نظامیان امریکایی و ناتوگام گذاشتند. با وارد شدن "طالب"ها و تحت محاصره قرار دادن شهر کابل، آنها اعلام نمودند که بر تمامی اراضی و کلیه گذرگاه های مرزی کشور مسلط می باشند. آنها به مقام های دولتی پیشنهاد نمودند تا بمنظور جلوگیری از قتل عام شهروندان کشور، بگونه صلح آمیز از قدرت کنار روند. در امتداد روزیادشده، آنها بکاخ ریاست جمهوری وارد شده و مذاکرات با عده ای از مقام های باقیمانده دولتی را آغاز نمودند. در همین زمان است که پولیس محلی، محلات مربوط شان را ترک نموده بودند. جنگجویان بدون مقاومت وارد کابل شده، اما صدای فیروانجارهای چندگانه ای نیز بگوش رسید. بتاریخ ۲۴ ماه اسد سالروان بر بنیاد توافق "طالب"ها، رهبری امور کشورداری به شورای انتقالی که عبدالله عبدالله و حامد کرزی نیز در آن عضویت دارند، تحویل داده شد.

بموازات پیشروی "طالب"ها بجانب کابل، عده ای از شهروندان کشور پابفرار گذاشتند. در مورد، قابل یاددهانی پنداشته می شود که وضعیت جریان مهاجرت ها آنقدر بحرانی میباشد که برخی از کشورهای اتحادیه اروپا، هنوز هم افغان ها را در امتداد مرزهای کشورهای شان متوقف می نمایند. اما در جریان روزهای پسین، عده ای از مقامات عالیرتبه کشور نیز بدون سروصدا از کشور خارج گردیدند. سیاستمداران، قبلن می دانستند که "طالب"ها بزودی وارد کابل خواهند شد. بنابراین بمنظور جلوگیری از چنین امری، بکشورهای مختلفی مرا جعه صورت گرفت. در اوایل ماه سرطان سالروان، وزارت امور خارجه کشور از فدراسیون روسیه خواهان دستیابی به هلیکوپترهای جنگی گردید. اما در چنین وضعیتی، جانب فدراسیون روسیه از تحویلی وسایل و وسایط جنگی و محاربوی بجانب افغانی سرباز زد.

"طالب"ها در پایان ماه سرطان سالروان، مناطق مرزی کشور با ترکمنستان، ازبیکستان و تاجیکستان را تحت نظارت شان قرار داده بودند کاین امر، عرضه مستقیم سلاح را بیش از پیش پیچیده نمود. حملات گسترده آنها بلافاصله پس از اعلام فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتو از اراضی کشور، بیش از هر زمان دیگر، تشدید گردید. در امتداد هفته های پسین، "طالب"ها حملات و یورش های برق آسایی بر مواض دولتی انجام دادند. جنگجویان یادشده از مجموع ۳۴ ولایت کشور، بتعداد ۱۶ ولایت را بدون درگیری مسلحانه تحت اداره شان قرار دادند. دست اندرکاران امور، پیشرویهای سریع "طالب"ها را نتیجه تغییر تاکتیکهای جنگی و محاربوی آنها می پندارند. اما میتوان وضعیت پیش آمده را در سه نکته خلاصه نمود: نخست اینکه، "طالب"ها موفق شدند تا منابع کافی بمنظور تصرف اراضی بیشتر را جمعآوری نمایند، دوم هم، پس از فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتو، مقام های رسمی کابل در موقعیت دشوار روانی و سیاسی قرار گرفتند، آنها بخوبی می دانستند که قادر به جلوگیری از پیشرفت های جنگجویان نمیباشند و سوم هم اینکه "طالب"ها در صدد تصرف شهرهای بزرگ شدند. اما از امکانات لازم بمنظور تصرف کابل برخوردار نبودند.

زمانی که جنگجویان وارد کابل شدند، اشرف غنی بمنظور ترک کشور، رهسپار میدان هوایی گردید. در چنین وضعیتی، نگرانی های فراوان امنیتی بوجود آمده و بی ثباتی کشور، نیز تهدید بزرگی پنداشته می شد. اما همه باین واقعیت معترف می باشند که امریکاییها با وجود برخوردار بودن از حضور پررنگ نظامی شان در کشور ما به موفقیت و دستاورد آنچنانی نایل نگردیده و قادر نشدند تا با موجودیت گسترده نظامیان شان، بر اوضاع سیاسی کشور حاکم و مسلط گردند.

در شرایط و وضعیت کنونی، اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور بگونه شتابزده ای در حال تغییر میباشد. بویژه چنین وضعیتی پس از تصرف کابل بوضاحت بمشاهده می رسد. بسیاری از کشورها چنین می پندارند که با سیر اوضاع و چگونگی تکوین حوادث، نوع موضعگیری آنها نیز مشخص خواهد گردید. اما قابل یاددهانی پنداشته می شود که اعمال فشار و موفقیت های "طالب"ها، دول بسیاری از کشورها را دچار شگفت زدگی و سردرگمی نموده است. دولت های کشورهای غربی در مورد تصرف کابل به نشر اعلامیه ای مبادرت نورز

ی‌دند، در وضعیت کنونی، آنها نجات و تخلیه دیپلمات هاوکارمندان سفارت خانه های شان در کابل را در صدر وظایف شان قرار داده اند. در امتداد چند روز پسین، ایالات متحده، آلمان، سویدن، دنمارک، چک، فنلند و ناروی بگونه فوری به فراخواندن دیپلمات ها و کارمندان سفارت خانه های مربوط از کابل به کشورهای شان مبادرت ورزیده اند.

هلیکوپترهای امریکایی، اتباع و کارمندان سفارت آن کشور را از داخل سفارت به خارج از کشور انتقال دادند. در مورد مقایسه ویتنام و افغانستان، با همه شباهت های خارجی رویدادهای یاد شده، در بسا بخش ها درست و اما در برخی عرصه ها نادرست می باشد. امریکایی ها با تمامی قوا و امکانات موجود، از همان آغاز هجوم به کشور ما و تا اختتام دودهه موجودیت شان در افغانستان، بهیچوجه در صدد آن نشدند تا بایجاد و استقرار دموکراسی در کشور ما مبادرت ورزند. در مورد مسایل و موارد تخنیکی، این کشور هند بود که کمک های همه جانبه ای را بویژه در زمینه بازسازی کشور ما تخصیص داد. کشورهای عضو پیمان ناتو نیز از همان روزهای نخستین در این امر سهیم گردیدند.

ائتلاف بین المللی از همان آغاز امر چنانچه در ویتنام بانجام آن مبادرت ورزیدند، در صدد آن نبودند تا تمامی ظرفیت ها و امکانات موجود شان را در اختیار دولت افغانستان قرار دهند. در چنین وضعیتی، شهروندان کشور نتوانستند از وسایل و لوازم موجود بگونه بایسته ایی استفاده بعمل آورده و توان رزمی قوت های مسلح کشور را ارتقا بخشند.

در نتیجه، عملکردهای دودهه پسین سبب بی ثباتی پایدار در کشور ما گردید. مؤفقت "طالب" ها در کشور را در نهایت امر می توان بمثابة یک امر عملی پذیرفت. پرسش عمده و قابل دقت این است که آیا آنها در عرصه سیاسی نیز مؤفوق خواهند بود؟ هنوز زود است که در مورد قضاوت نمود. در اوضاع و احوال کنونی، آنها در صدد آن شدند تا کشور را بگونه منحصر بفرد آن برای خویش بازسازی نمایند. اما نباید از موجودیت معضلات و مشکلات گونه گونه و متفاوتی در پروسه یاد شده چشم پوشی بعمل آید.

در این مورد می توان یاد آور شد که مشکل نخست در زمینه، پرسش منحصر بفرد در مورد ساختار قدرت جدید مطرح بحث می باشد. حتا اگر از بقایا و بازمانده های رژیم قبلی، "طالب" ها و ایالات متحده مؤفوق به تشکیل و ایجاد اداره مؤقت گردند، رادیکال ها سعی خواهند ورزید تا بر تمامی تصامیم و فیصله های چنین اداره ای حاکمیت تمام و کمال داشته باشند. در این مورد آنها بگونه منحصر بفردی این مسأله را پنهان نموده و قبلن نیز بصراحت اظهار نموده اند که اداره مؤقت را تحریم نموده و خواهان انتقال بی چون و چرای قدرت میباشند. ممکن و شاید چنین اداره مؤقت از جانب بخشی از جامعه جهانی بزمیت شناخته شده و شرایط و وضعیت در کشور نیز بهبود یابد. اما این بان مفهوم تلقی نمی گردد که "طالب" ها از دادن امتیاز و تصرف کامل قدرت توسط اداره یاد شده خودداری بعمل آورند. همچنان از جانب بسیاری ها چنین ابراز نظرهایی نیز بعمل می آید که بگمان اغلب، "طالب" ها چه از راه مسلحانه و چه غیر مسلحانه در صدد انحصار قدرت می باشند.

معضله دیگر در این مورد، شکنندگی قدرت در افغانستان می باشد. چه بویژه در دهه های پسین، هیچیک از طرف های منازعه نتوانستند کشور را برای مدت زمان طولانی اداره و رهبری نمایند. با ایجاد دولت جدید، به یقین که در بسیاری از بخش ها و محلات کشور ما بشمول کابل، هسته های مقاومت های مسلحانه شکل گرفته و در مخالفت با دولت به مبارزه و نبرد متوسل گردند. بدلیل موجودیت چنین هسته هایی ممکن و شاید "طالب" ها به تشکیل و ایجاد سیستم واحد رهبری در کشور مؤفوق نگردیده و مدت زمان طولانی در رأس رهبری کشور دوام نیاورند. نباید فراموش نمود که تداوم قدرت پایدار و بلند مدت، بگونه عادی در کشور ما معمول نمی باشد.

در نهایت امر، مشکل آخری هم اینکه ممکن هم با عدم سهمگیری و مشارکت کشورهای دیگر، وضعیت در اراضی کشور، بیش از پیش متشنج و بحرانی گردد. جامعه بین المللی چندین مراتبه طرف های درگیر منازعه کشور را بمنظور ایجاد صلح و ختم درگیری های مسلحانه به میز مذاکره حاضر نمود.

اما بخاطر باید داشت که جاه طلبی های "طالب" ها را می توان با استفاده از فشارهای اقتصادی برخی کشور ها تعدیل نمود. بگونه نمونه، هم جانب واشنگتن و هم جانب مسکو باید به طرف های موجود با وارد نمودن فشارهای لازم و مورد نظر، آنها را بایجاد و تشکیل اداره مؤقت (حکومت مؤقت) متقاعد سازند.

هر دو جانب، در امتداد زمان جنگ در کشور، از تجربیات فراوانی برخوردار گردیده و به یقین که باین نتیجه

نایل گردیده اند که اینهمه کشتار و ویرانی، نتیجه بلا واسطه جنگ و درگیری های مسلحانه پنداشته شده که بیشتر از این تداوم چنین وضعیتی امکان ناپذیر بوده و با احتمال زیاد در حال حاضر از اصل ایجاد و پایه گذاری دولت جدید تروریستی کناررفته و اشتباهات گذشته و قبلی را تکرار ننمایند.

بخاطر ما باشد که پس از فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما خلایی ایجاد گردید که چندین کشور و درگام نخست روسیه و چین بمنظور رفع آن دست بکار شدند. هر چند مسکو و پکن ممکن اهداف دراز مدت پارتباط کشور عزیز ما داشته باشند، اما در وضعیت کنونی هردو قدرت یادشده در صدد تضعیف بیش از پیش قدرت ایالات متحده و تقویت و حمایت از اقتصاد های شان می باشند.

مسکو، فروریزی حاکمیت سیاسی و بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور ما را بمتأبه فرصت مناسبی بمنظور عملکردهای بعدی اش می پندارد. بعقیده بسیاری از دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور ما، مسکو بیش از سایر موارد، نگران اوضاع امنیتی مرزهای جنوبی آن کشور بوده و همزمان با آن، در صدد وسعت و گسترش حضور نظامی اش در خاورمیانه نیز می باشد.

چین و روسیه در بسیاری از موارد، از موضعگیری واحدی پیروی نموده و کاهش حضور ایالات متحده در جها ن، رسالت مشترک آنها محسوب می گردد. بگمان اغلب که مسکو و پکن سعی می ورزند بمنظور ایجاد آن نهاد های بین المللی که بازتاب دهنده مواضع و منافع ایالات متحده نباشد، مشترک کار نمایند. اما بایست یادآور شد که کشورهای دیگر، از جمله ایران و قطر در وضعیت و شرایط پیش آمده در کشور عزیز ما بمتأبه برنده محسوب می گردند.

آیا سقوط "اشفته کابل"، هجوم "طالب" ها و تصرف سریع اهداف مورد نظر در کشور ما می توان بمتأبه آغاز تغییر نظم جهانی که قبلن توسط ایالات متحده رهبری می گردید، محسوب نمود؟ اما این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می شود که پیامدهای این شکست گسترده، برای سال های متمادی در ایالات متحده متبازر تر خواهد گردید.

مأموریت سازمان ملل در کشور ما بر بنیاد ایجاد تماس با نماینده های "طالب" ها بمنظور کمک رسانی با افراد نیازمند در کشور قرار دارد.

در این مقطع، پرسشی مطرح می گردد که آیا صفحات شمال کشور در موضع مخالفت با "طالب" ها قرار گرفته و آیا گروه اخیر الذکر ("طالب" ها) پس از رسیدن بقدرت در کابل، بیشتر منفرد نخواهند گردید؟ بخاطر باید داشت که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در ایجاد تصویری که در بالا از آن تذکر بعمل آمد، تلاش خواهند ورزید. اما پاکستان از موفقیت اقتدار جدید در کابل استقبال نموده، ایران سازش با آنها را مورد حمایت قرار داده، روسیه و چین بوضوح بدنبال ایجاد تماس و تأمین ارتباط با مالکان جدید قدرت در کابل می باشند. اما با وجود اینهمه، رویدادها در کشور ما در حال گسترش بوده و وقایع مربوط، با سرعت شتابنده ای در حال تکوین می باشد.

همانگونه که پیشبینی می گردید، پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، علایم تمرکز زدایی در کشور، بسرعت ظاهر گردید. همچنان در امتداد هفته پسین، اطلاعاتی مبنی بر گسیل گردیدن ۱۰ هزار از جنگجویان از یک تحت رهبری عبدالرشید دوستم بمنظور مبارزه علیه "طالب" ها به پنجشیر بنشر رسید. سیر کنونی حوادث و اتفاقات در کشور ما بنحوه ایست که بسیاری از معادلات مطرح را برهم زده و تغییرات و تحولاتی در مورد یادشده را شتاب بیشتری می بخشد.

نحوه موضعگیری ها منوط به شیوه و چگونگی سیر حوادث و اتفاقات در کشور و منطقه محسوب می گردد. چنانچه تذکر بعمل آمد، آیا بازیکنان داخلی، منطقوی و جهانی در صدد دستیابی باجماع و اتفاق نظر در مورد قضایای کشور ما می باشند؟ طرز برداشت و چگونگی موضعگیری در لایه های مختلف اجتماعی بر چه بنیادی استوار می باشد؟ دورنمای کشور را چگونه و به چه نحوه ای می توان پیشبینی نمود؟ مشارکت طبقات و اقشار کشور در امر رهبری کشور و اداره امور مربوط به چه نحوه ایی تأمین خواهد گردید، آیا سهمگیری در امر رهبری کشور بر چه بنیادی مطمح نظر می باشد و... که در مجموع، ذهن شهروندان کشور را بخود مشغول نموده است.

بهمه موارد یادشده و مسایل بیشمار دیگر باید پاسخ های قناعت بخشی ارائه گردد.

یکشنبه ۳۱ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی